



میترائیسم و آثار آن در آذربایجان غربی با تکیه بر دخمه سنگی نناس

علیرضا معروفی*

چکیده

دین و دین‌باوری از مقوله‌های مهم زندگی بشری است. همه جوامع به نوعی از باورهای دینی اعتقاد دارند. باورهای دینی در سیر تکاملی خود به شیوه‌های مختلفی ظهور کرده‌اند. ایرانیان قبل از آیین زرتشت به میترائیسم اعتقاد داشتند. این آیین در زمره‌ی آیین‌های رمزی قرار می‌گیرد. میترائیسم - پرستش مهر - آیین پرستش عناصر طبیعی است. میترائیسم به دلایل سیاسی (حمایت امپراطور) و دلایل عقیدتی و اجتماعی (پاکیزگی معنوی و وفاداری به عدالت) نفوذ عمده‌ای در مناطق مختلف جهان یافت. این آیین در اروپای مسیحی نیز نفوذ زیادی یافت تا جایی که هنوز هم نشانه‌ها و عناصری از میترائیسم را می‌توان در آیین مسیحیت یافت. در اوستا «مهر» به عنوان تجسمی از انسان توصیف شده است. میترائیسم هم مانند سایر آیین‌های دارای آموزه‌های عملی و آداب و مناسک عبادی خاص خود است. این آیین در مناطق کردنشین (آذربایجان غربی) نیز پیروانی داشته است. نگارنده آثار میترائیسم را در دخمه‌ی سنگی نناس (روستایی از توابع ارومیه) مورد بررسی و تطابق علمی قرار داده است. دخمه‌ی سنگی نناس نمونه کاملی از مهرابه‌های دینی مهری‌دینان است. گورهای خمره‌ای بین شاوله و پسوه (از توابع نقده) نمونه‌ای دیگر از آثار میترائیستی منطقه است. همچنین نشانه‌های میترائیسم را می‌توان بر حکاکی‌های روی کاسه‌ی طلایی حسنلو مشاهده کرد.

* کارشناس ارشد تاریخ

پیشگفتار

یکی از مقوله‌های مهم بشر در زندگی دین و دین باوری است. به طوری که در تمام ابعاد زندگی آنها تأثیر گذاشته و در بعضی جوامع به عنوان زیربنا، دیگر شئون زندگی آنان را تعیین می‌کند. در این معنا، سیاست، تعلیم و تربیت، اقتصاد و به طور کلی چگونه زیستن و امید به آینده، در آنان از دین ناشی می‌شود. همه ادیان، به هر راه و بیانی که باشد، بر این نظر متفقند که انسان قائم به ذات خود نیست و نمی‌تواند باشد. زندگی او، به نحو اساسی به قوای موجود در طبیعت و اجتماع خارج از ذات او، پیوسته و وابسته به آن است. این ادراک در جوامع ابتدائی به صورت اعتقاد به وابستگی به قوا و نیروهای موجود در محیط اجتماعی و طبیعی آغاز شده و در ادیان برتر، به صورت اعتقاد به علت والای اشیاء و اعتقاد به موجودی انسانی یا غیر انسانی که آفریننده عالم و اصل حاضر و موجود هستی، که در محیط و مجاور او بودند، مانند قوای طبیعت، ارواح گذشتگان، نیروی موجود در بشر و در مؤسسات اجتماعی، روشی خاص را در پیش می‌گیرد. انسان‌ها در طول تاریخ با رشد و پیشرفت اندیشه، توانستند باورها و اعتقادات خاص محیط و منطقه خود را گسترش داده و به عنوان باور و ایمان و در مسیر زندگانی خود اعمال نمودند. ایرانیان هم مانند دیگر اقوام و تمدن‌ها در این رهگذر به مجموعه باورها و اعتقاداتی رسیده و آنرا گسترش دادند. از جمله نخستین باورهای ایرانیان پرستش مهر (میترا) بوده است. نزد ایرانیان باستان قبل از زرتشت «مهر» یا «میترا»، خداوند بود و مالک چراگاه‌های وسیع و نگهبان خستگی‌ناپذیر. میترا را خدای جنگ و خدای روشنایی می‌دانستند و بعدها یونانی‌ها و رومی‌ها او را «خدای آفتاب» گفته‌اند. میتراپرستان بر این باور بودند که از دید میترا چیزی پنهان نیست، زیرا میترا چشم روز و خورشید افول‌ناپذیر است. میترا نسبت به بد اندیشان و پلیدان و عهد شکنان، بسیار قهار و بیرحم و نسبت به نیکان و ستایشگران بسیار مهربان است. دو فرشته به نام‌های «اشنو» و «سراوشا» زیر فرمان میترا هستند و مجازات گناهکاران را برعهده دارند.

در نوشته‌های گیرشمن به مهر پرستی ایرانیان اشاره شده است. «پارسیان خورشید» (مهر) و..... را پرستش می‌کردند. از زمان اردشیر دوم، آیین رسمی باغانی که در ردیف اهورا مزدا در کتیبه‌ها یاد شده‌اند توسعه یافته است، آنها عبارتند از: مهر، خدای خورشید که خدای بسیار کهن ایرانی است. ناهید، ربه‌النوع آنها، حاصلخیزی و تولید که تأثیر عقاید ایرانی را نشان می‌دهد» (گیرشمن: ۱۳۴۴، ۱۷۲). همچنین در جایی دیگر آورده است که: «احتمال دارد که سلسه پارت، معتقدات ابتدائی پرستش عناصر طبیعی، در مرحله اول پرستش خورشید و



ماه را همراه خود آورده باشند» (همان، ۳۱۸).

وجود اسامی مهرداد و تیرداد که از پادشاهان اشکانی بودند، حکایت از مهرپرستی دارد. این آیین از طریق آسیای صغیر در یونان و روم و بعد در سراسر اروپا گسترش یافت و تأثیر فراوانی بر اعتقادات آنان گذاشت. این تأثیر به حدی بود که اگر کنستانتین امپراتور روم، دین مسیح را دین رسمی قرار نمی‌داد، چه بسا امروزه دین سراسر غرب بر آیین میترائیسم می‌بود. قدرت مذهب میترا، گذشته از لطف امپراتور، بیشتر به ارزش دراماتیک بودن مراسم و خصوصاً انضباط اخلاقی و پاکیزگی معنوی و وفاداری به عدالت و به حقیقتی که روح اشخاص قوی و با اراده فریفته آن بود، بستگی داشت.

بخش اول این مقاله شامل مطالبی نظری درباره میترائیسم و تأثیر آن در اروپا و مسیحیت است و در بخش دوم آثار و نشانه‌های میترائیسم در منطقه آذربایجان غربی مورد بررسی و پژوهش میدانی قرار گرفته است.

مهر (میترا)

میترا (مهر) ابتدا در مذهب هند و ایرانی، خداوند روشنایی و پاسدار نظم و خدای قرارداده‌ها، معاملات، راستی، درستی، صداقت در زندگی، ضمانت اسناد و سوگندها و پیمان‌ها، و ناظر کل عالم و حامی مخلوقات بوده است.

«میترا خدای روشنایی و نور و خدای موکل بر روز است. «میترا» و «وارونا» از خدایان کهن هندوها هستند و گاهی آنها را بزرگترین خدایان خوانده و با اورانوس یونانیان برابر می‌دانند. میترا خداوند آبها و دریاها نیز هست و یکی از صفاتش اود-دام یعنی محاصره کننده است و همسرش وارونی (وارونا) الهه شراب است و در اساطیر گاهی با نام‌هایی چون سورا و یاماد خوانده می‌شود» (رضایی: ۱۳۷۲، ۷۲).

واژه مهر که «در زبان اوستایی میترا^۱، در پارسی باستان و سانسکریت میتره^۲، آمده است، در زبان پهلوی به گونه میترا^۳، دگرگون شده و در پارسی مهر گردیده است. در سنگ نبش‌های پارسی باستان باگ‌یادیش^۴ نام یکی از ماه‌های پارسی باستان است» (معین: جلد دوم).

فریدون جنیدی می‌نویسد: «شانزدهم هر ماه به نام مهر نام‌گذاری شده و آنرا مهر گویند و روز مهر در ماه مهر، جشن بزرگی است به نام مهرگان و نیز هفتمین ماه سال دهمین یشت اوستا را مهر نامیده‌اند» (ورمان:

1- mithra

2- mitra

3- mitr

4- bagyadish

(۱۳۴۵، ۸۸).

کهن‌ترین نشانی که از مهر در دست است، مربوط به گروه‌های میتانی است که در هزاره دوم پیش از میلاد نقش مهمی در تاریخ آسیای باختری برعهده داشته‌اند. در سنگ‌نشته‌هایی که از این گروه به دست آمده است نام مهر به عنوان پشتیبان پیمان به کار رفته است (مستانه و مرجان، بی‌تا، ۹).

کلمه مهر را «دار مستتر» به معنی دوستی و محبت می‌داند. «یوستی» هم عقیده دارد که مهر واسطه و رابطه فروغ محدث و فروغ ازلی و به عبارتی واسطه بین آفریدگار و آفریدگان است (رضایی: ۱۳۷۲، ۵۵). مهر نزد پیروان زرتشت دارای مقام ارجمندی بوده و بیشتر آتشکده‌های عهد باستان را به نام «مهر» خوانده‌اند. سعد سلمان شاعر پارسی‌گوی بیشترین واژه‌های مهر را در یک بیت آورده است.

روز مهرو ماه مهر و جشن فرخ مهرگان مهر بی‌فزا ای نگار مهرچهر و مهربان

ایرانیان باستان معتقد بودند که در این روز به فرمان خداوند روح به کالبد تمامی جانوران دمیده شده و در یک چنین روزی مردم از ظلم و ستم ضحاک به ستوه آمده و با همراهی کاوه آهنگر بر او شوریدند و فریدون را بر تخت نشانندند. فردوسی در این باره گفته است:

به روزخجسته بر مهر و ماه به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

در اوستا روایت است که مهر همان ایزد است که در اولین روز زمستان به دنیا آمده و میترا نام دارد و میترا فرزند آناهیتا است. می‌گویند او الهه خورشید است و به محصولات کشاورزی برکت می‌دهد. روایت دیگر این است که مهر، همان مهر خورشید، نور و گرمی، مهربانی و محبت، عهد و پیمان است و آنچنان تقدسی در نزد آریایی‌ها داشت که کیش پرستش مهر به وجود آمده و از آنجا به بابل و سپس به اروپا رفت و آئین میترائیسم شکل گرفت و نهایتاً یکی از سرچشمه‌های مهم مسیحیت گردید (توکلی، مرجان: مقاله اینترنتی).

میترايي که مغرب زمین شناخته، خدای مقدسی است که علاقه به نام او و انجام مراسم مذهبی، انسان را از گمراهی نجات می‌دهد. در آیین میترا، عناصر طبیعت به ویژه آتش، ماه، ستارگان، باد، فصول و هفت روز هفته که مطابق هفت ستاره‌اند، مقدس می‌باشند. بنابراین مذهب میترا، مذهب طبیعت پرستی است که با ستاره‌شناسی کلدانی و عقاید ایرانی درباره سرنوشت امتزاج پیدا کرده است.

مهر در اوستا

مهر در اوستا جایگاه والایی دارد. به طوری که یکی از یشت‌ها، مهریشت نام دارد. در مهریشت، مهر با

شکوهی بسیار جلوه‌گر می‌گردد. آنجا که اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: «وقتی مهر را آفریدم و به مردمان دستور دادم که بر او قربانی کنند و فدیة دهند و نماز گزارند، مقام او را به اندازه خودم بالا آوردم» (ورمازن: ۱۳۴۵، ۲۶).

در یشت دهم، اوستا باز از مهر صحبت می‌کند: «تو از مردمانی که حسن نیت به مهر دارند حمایت می‌کنی انسانی را که قصد صدمه زدن به او داشته باشد، منهدم می‌کنی، مهر دارنده زمین‌های فراخ و به عنوان کسی که هزار چشم و گوش دارد، معرفی شده است» (پورداوود: ۱۳۴۷، ۴۲۶ و ۴۳۲ و ۴۴۰). مهر را می‌ستائیم کسی که دارای دشتهای پهن است. کسی که از کلام راستین آگاه است. زبان‌آوری که دارای هزار گوش است. خوش اندامی که دارای هزار چشم است (همان).

«مهر را می‌ستائیم ... کسی که هیچ کس به او دروغ نتوان گفت، نه بزرگ خانواده، نه بزرگ ده، نه شهریار ایالت. اگر کسی به او دروغ بگوید، مهر غضبناک، خانه، ده، ناحیه، بزرگان ده، شهریاران مملکت و سروران مملکت را تباه سازد» (همان).

همچنین مهر به عنوان جنگجویی نیرومند و فاتح معرفی شده است. «مهر را می‌ستائیم کسی که دارای دشتهای پهن است ... کسی که به جنگ استحکام بخشد، کسی که در جنگ پایدار مانده و صفوف (دشمن) را از هم بدرد (همان).

«مهر را می‌ستائیم ... کسی که از طرف راستش، سروش نیک مقدس سوار است. از طرف چپش، رشن برومند بلند بالا سوار است. گرداگرد او از هر طرف (فرشتگان) آبها و گیاهان و فروهرهای پاک می‌تازند (همان).

آداب میتراثیسم

در آیین مهرپرستی هم مثل بقیه آیین‌ها، آداب و رسومی وجود داشت که طرفداران این آیین آنها را انجام می‌دادند. مثلاً در مذهب میترا شام متبرکی مرسوم بود که در ضمن آن هواداران نان متبرک و شرابی که در جامی با آب مخلوط می‌شد، به عنوان شیریه مقدس «هثومه» می‌نوشیدند. مراسم این شام در غارهای طبیعی یا مصنوعی برگزار می‌شد. در طرفین سرداب نیمکت‌هایی قرار می‌دادند و در میان آن راه عبوری بود و هواداران روی نیمکت‌ها زانو می‌زدند و در هنگام ورود به این سرداب با آبی که در ظرفی قرار داشت خود را مسح می‌کردند. در انتهای سرداب مذبحی با مجسمه‌ای از میترا با کلاه فریژی دیده می‌شد که مشغول قربانی کردن

گاو بود. مراسم مذهبی آنها در روز یکشنبه یعنی «روز خورشید» انجام می‌گرفت. شب یلدا که مصادف با اول زمستان می‌باشد، روز تولد مهر است که بزرگترین عید آنها بود. در مذهب میترا مانند تمام مذاهب رمزی دیگر، پیروان به تدریج به شام متبرک دعوت می‌شدند و به درجات بالای اسرار مذهبی، که با هفت طبقه آسمان تطبیق می‌کرد، می‌رسیدند. این تعلیمات هفت درجه داشت و هر درجه مربوط به قهرمانی از افسانه میترا بود، مانند کلاغ، نمفوس (نامزد یا جوان) سرباز، شیر، گردونه خورشید و در بالای همه «پدر».

شرح هفت مقام

مقام اول، مقام خدمتکاران مهرا به بوده است که بعد از انجام مراسمی به مقام کلاغ مقدس می‌رسیدند. مقام دوم، مقام کری فیوس که برخی آنرا مقام کرکس معرفی کرده‌اند که همان پوشیدگان است. مقام سوم، سومین منصب که مقام سرباز است. اینان سربازان مخصوص بودند که تحت امر میترا قرار داشتند.

مقام چهارم، منصب شیر بود که اینها ناگزیر از گذراندن آزمایش‌هایی بودند. مقام پنجم، مقام پارسی بوده است، که حکایت از آزادی و آزادگی بود و در این مرحله کلاه فریژی بر سر می‌نهادند.

مقام ششم، منصب خورشید است. کسی که به این مرحله می‌رسید در حقیقت پیک خورشید بود. مقام هفتم، این مقام والاترین و عالی‌ترین درجه تشریف برای یک سالک میترائی بوده که آن را مقام پدر یا پدران می‌نامیدند (رضایی: ۱۳۷۲، ۹۵-۹۰).

تأثیر میترائیسم بر مسیحیت

برای اولین بار در حدود سال ۶۷ پیش از میلاد، اسرار مذهبی میترا از راه آسیای صغیر و روم به وسیله دزدان دریایی، در دنیای مغرب زمین نفوذ کرد. در نیمه‌های اول قرن اول بعد از میلاد پیروان مذهب میترا خود را آشکار کردند و از آن تاریخ این مذهب با سرعت عجیبی در قاره اروپا پخش شد. در سال ۶۶ میلادی «نون» به وسیله تیرداد، پادشاه ارمنستان، به مذهب میترا گروید. از سال ۶۹ میلادی به بعد این مذهب در تمام اروپای مرکزی پراکنده شده بود و کمی بعد در سال ۱۰۷ میلادی به شمال بالکان رسید (شارل پوش: ۱۳۴۶، ۵۴). روی کار آمدن کنستانتین و برقراری یک امپراطوری مسیحی در روم شرقی به مذهب میترا ضربه مهلکی زد که باعث تضعیف آن گردید. رنان گفته‌است: «اگر مذهب مسیح به علت مرض کشنده‌ای در پیشرفت خود



متوقف می‌شد، بدون شک عالم بشریت میترا را مذهب رسمی خود می‌کرد» (همان، ۵۸). به دلیل انتشار مذهب میترا در روم، توانست تأثیر فراوانی بر افکار رومیان و مسیحیان بگذارد، به طوری که بسیاری از اعمال موجود در مسیحیت، برگرفته از میترائیسم می‌باشد. از جمله مراسم عشاء ربانی، تناول نان و شراب، هم‌زمانی تولد مهر در ایران (یلدا) و تولد حضرت مسیح در غرب، غسل تعمید مسیحیان، ظرف آب متبرک در کلیسا، سقاخانه‌ها و حوض‌هایی که در مدخل مساجد و تکیه‌ها بر پا می‌کردند. جاری بودن آب چشمه در مهرابه‌ها و حک کردن صحنه جاری شدن از چشمه بر روی بدنه تابوت مسیحیان. «ماهی نیز یکی از نشانه‌های مسیحیت بود که در قرون ابتدائی برای شناسایی همچون رمزی از آن بهره می‌جستند. این نیز چون غسل تعمید، نشان و رسمی بوده از کیش میترا» (رضایی: ۱۳۷۲، ۸۲).

تثلیث میترائی عبارت است از: میترا، کوتس و کوتوپاتس و تشابه آن با تثلیث مقدس مسیحیان - درخت کاج یا سرو که ویژه خورشید است و بر اساس بعضی نقوش، میترا از درخت کاج زاده شده است. امروزه مسیحیان هم از درخت کاج در ایام کریسمس استفاده می‌کنند و آنرا برای جشن‌های کریسمس می‌آریند. چنانکه گفتیم تثلیث میترائی عبارت است از: میترا، کوتس و کوتوپاتس. در بسیاری از تصاویر و نقوش کوتس و کوتوپاتس در دو طرف میترا در حالی که مشعلی در دست دارند، ایستاده‌اند، مشعل کوتس رو به بالا (خورشید) و مشعل کوتوپاتس رو به پائین است. مجسمه آزادی که امروزه در مغرب زمین مشعل در دست، در میداین شهرها دیده می‌شود، همان کوت (کوتس) میترائی می‌باشد.

از سوی دیگر تقدس رنگ قرمز در آئین میترا که اشاره‌ای سمبلیک به نبرد تاریکی و روشنی و نماد آن سرخی افق و فلق در هنگام طلوع و غروب خورشید می‌باشد و نیز استفاده ایرانیان از دو میوه قرمز رنگ یعنی انار و هندوانه در شب یلدا و سرخی شنل پاپ و رنگ لباس بابائوئل اشاره به همین مفهوم دارد.

همچنین حلقه کریسمس که حلقه‌ای تزئینی از گل و روبان است که مسیحیان در ایام عید کریسمس به در خانه‌های خود آویزان می‌کنند، همان سمبل حلقه مهر است. مهم‌تر از همه، مهم‌ترین روز هفته مسیحیان که یکشنبه است، سان دی^۱ نام دارد که به معنی روز خورشید است. اینها همه حکایت از تأثیر مذهب میترا بر مسیحیت می‌باشد.

میترا و گاوکشی

بنا بر گفته فرانس کومن، میترا از تخته سنگی به وجود آمده است و به محض تولد وی چوپانان برای پرستش او می‌آیند. ابتدا با خورشید متحد می‌شود، سپس یک گاو را مقهور می‌کند یعنی آن را بر پشت خوابانیده، پاهای حیوان را گرفته و به داخل غاری می‌کشد و در آنجا گاو را محبوس می‌نماید ولی حیوان می‌گریزد. در این هنگام اورمزد یا «خورشید» به وسیله کلاغی به میترا دستور می‌دهد که گاو را هلاک کند. میترا برخلاف میل خود گاو را تعقیب می‌نماید و پوزه او را در دست می‌گیرد و با یک ضربه خنجر او را به قتل می‌رساند. بلافاصله از بدن گاو خوشه‌های گندم و درخت تاک و سایر نباتات خارج می‌شود، سپس یک عقرب و یک مورچه، و در بعضی نقوش یک مار، خود را روی آلات تناسلی حیوان می‌اندازد تا خون حیوان را بمکد. به نظر می‌رسد که ماه نطفه گاو نر را به دست می‌آورد و آنرا تطهیر کرده و از آن حیوانات مفید را به وجود می‌آورد. روح گاو به آسمان می‌رود و از آنجا بر گله‌های دام نظارت می‌کند و آنها را حمایت می‌نماید. این داستان در مذهب میترا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و مربوط به خلقت عالم است. میترا از نیکی‌های خلقت و آنچه مربوط به اورمزد است طرفداری می‌نماید. اگر خشکسالی شود، تیری از کمان خود پرتاب کرده و آب از زمین می‌جهد (شارل پوش: ۱۳۴۶، ۱۵۲). بعد از اینکه مأموریت او در روی زمین به پایان رسید، در حالی که بر گردونه خورشید سوار است به آسمان پرواز می‌کند. در عالم بالا هم میترا به انسان‌ها کمک می‌کند و کسانی که به او اعتقاد دارند در این دنیا مورد مهر او واقع می‌گردند. میترا در روز قیامت باز روی زمین خواهد آمد و تمام مرده‌ها را زنده خواهد کرد و گاو بزرگ را قربانی خواهد نمود و چربی آن را با شیره مقدس «هئومه» مخلوط کرده، به نیکوکاران خواهد داد و آنها به این طریق جاویدان خواهند شد.

بخش میدانی: آثار و نشانه‌های میترائیسیم در بخش کردنشین آذربایجان غربی

نمونه موردی دخمه سنگی روستای نناس

روستای نناس در ۵ کیلومتری دیزج دول از توابع شهرستان ارومیه واقع است. در ۴ کیلومتری غرب روستا بر بلندای کوه صخره عظیمی قرار دارد. درون این صخره، دخمه‌ای کنده شده که مربوط به میترائیسیمها می‌باشد زیرا «پیروان میترا معبدهای «مهری» را در مغاره‌های کوه یا در دل دخمه‌ها به پا کرده و در آنجا به مراسم عبادت او قیام می‌کردند» (قدیانی: ۱۳۷۴، ۹۵). مؤمنان به آئین مهرپرستی، مراسم مذهبی و نیز قربانی کردن گاو را در غارها به جا می‌آوردند و معابد خود را نزدیک چشمه‌ها یا آب روان قرار می‌دادند تا غسل

تعمید آسان تر انجام گیرد. آقای هاشم رضی هم به این مطلب چنین اشاره کرده است. «مهری دینان مهرابه‌ها^۱ در غارهای طبیعی بر پا می‌کردند و یا برای ساختن مهرابه، غارهای مصنوعی زیرزمینی می‌ساختند و دهانه‌های این غار را به شکل طبیعی در می‌آوردند.» (رضی: ۱۳۷۱، ۷۸).

در دخمه سنگی تناس تمام موارد موجود در غارهای مهری دینان دیده می‌شود. از جمله سکوی قربانی، حوضچه مخصوص تطهیر، محل نشستن و نیز جایگاه مجسمه میترا. این دخمه اتاقی است که حدوداً ابعاد آن ۶×۴ می‌باشد. در وسط آن حوضچه‌ای قرار دارد. در انتهای اتاق سکویی که یک پله دارد و از سنگ کنده شده است. در وسط دیوار جنوبی طاقچه‌ای قرار دارد که محل قرار دادن مجسمه میترا بوده است. در وسط هر کدام از دیوارهای شرقی و غربی هم طاقچه‌ای کنده شده که محل نشستن حضار بوده است. در وسط دخمه حوضچه‌ای دارد که از آن در مراسم غسل تعمید استفاده می‌شد. در سمت غربی بیرون صخره، پله‌هایی در سنگ حجاری شده‌اند که تا قله ادامه دارد و نیز بالای قله را به صورت صاف و هموار در آورده‌اند. احتمال دارد در بالای قله، سپیده دمان، طلوع خورشید را عبادت می‌کردند. این غار نمونه کاملی از مهرابه‌های مهری دینان می‌باشد. قربانگاه، حوضچه مخصوص تطهیر، مکان مخصوص مجسمه میترا و نیز پله‌ها و قسمت قله که صاف گردیده و آب انباری که از آب آن برای انجام مراسمات، مخصوصاً قربانی کردن گاو استفاده می‌کردند. مراسم قربانی کردن گاو در فصل بهار انجام می‌شود، این امر چنین تفسیر می‌شد که اگر خون گاو بر روی مزارع و دشتها و بیشه‌زارها بریزد، طراوات و فراوانی در طبیعت از سر گرفته می‌شود.

آثار دیگر میترائیسم در منطقه

این نشانۀ 𐎧𐎠𐎡𐎹 نشانه که هرتسفلد آنرا گردونه خورشید می‌نامد، نخستین بار در حدود خوزستان یافت شد و مربوط به هفت هزار سال پیش از میلاد می‌باشد (رضایی: ۱۳۷۲، ۶۰).

گردونه خورشید نخست به شکل 𐎧𐎠𐎡𐎹 بوده است، اما کم کم خطوط منحنی آن از بین رفته، بصورت 𐎧𐎠𐎡𐎹 و گاهی با خطوط شکسته ولی با زاویه‌های ۹۰ درجه ترسیم شده و شکل هندسی و ترکیب کامل یافته است. این همان نشانه‌ای است که بعدها در مسیحیت به عنوان 𐎧𐎠𐎡𐎹 (صلیب) شناخته شد. این علامت ویژه مهرپرستان (میترائیست‌ها) می‌باشد. این علامت بر دهانه پاره‌ای از خمره‌های سفالین که مرده‌ها را در آن می‌گذاشتند دیده شده است. نمونه‌ای از این خمره‌ها (گورهای خمره‌ای) در مکانی ما بین روستاهای پسوه و شاوله از توابع

1- عبادتگاه مهرپرستان را گویند

شهرستان نقده دیده شده است. کاسه طلایی حسنلو که در روز پنج‌شنبه ۲۳ مرداد سال ۱۳۳۷ خورشیدی در حفاری‌های تپه حسنلو به دست آمده است، نشانه‌هایی از مهرپرستی در آن دیده می‌شود. روی این کاسه نگاره‌های زیادی دیده می‌شود، یکی از این نگاره‌ها شیر و شیربان است. مرد شیربان افساری بر سر شیر زده و بر پشت شیر زینی گذاشته که خود نشان از تسلط انسان بر جانوران است. در این تصویر بر ران شیر نقش گردونه خورشید دیده می‌شود. همچنین در قسمت نقوش زیرین جام حسنلو، نقش ماهی دیده می‌شود، ماهی نیز یکی از نشانه‌های مسیحیت بود که در قرون ابتدایی برای شناسایی همچون رمزی از آن بهره می‌جستند. این نیز چون غسل تعمید، نشان و رسمی بود از کیش میترا.

«اقوام باستانی بسیاری از جانوران را می‌پرستیدند. یکی از این جانوران بز کوهی بود که مظهر سودبخش و سودرسان طبیعت، یعنی خورشید بوده است. این نقش بر ظروف بازمانده از سده‌های پیش از میلاد دیده شده است. مهم‌تر از همه رابطه‌ای است که مردم باستانی میان هلال ماه و خورشید و شاخ بز کوهی قرار داده بودند» (رضایی: ۱۳۷۲، ۶۴).

در منطقه نقده اثری از مفرغی به دست آمده است که کله کرکس (عقاب) در میان شاخ‌های بز کوهی دیده می‌شود، از آنجایی که کرکس (عقاب) سمبل منصب هفتم میترا می‌باشد و شاخ‌های بز کوهی نمادی از ماه که سبب رویش گیاهان و ازدیاد نسل جانداران بوده است، بسیار قابل توجه می‌باشد.

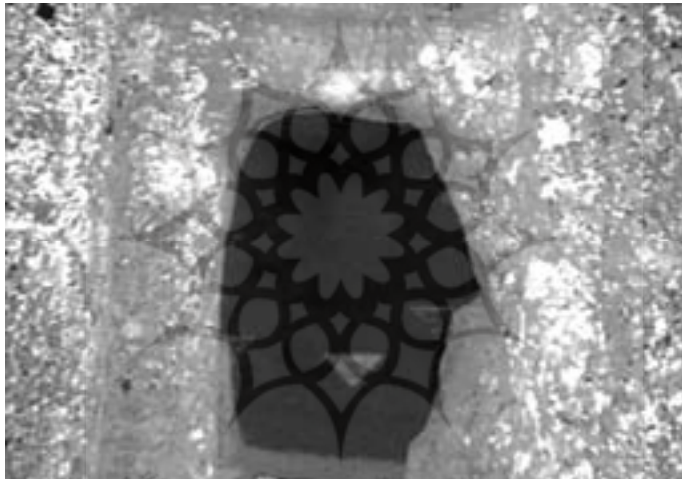
کلمه اشنو (رشنو) جزو دو فرشته‌ای است که زیر فرمان میترا می‌باشند و مجازات گناهکاران را برعهده دارند. به احتمال زیاد شهر فعلی اشنویه هم، نام خود را از همین فرشته میترائی گرفته است.

اثر مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، دخمه‌ای سنگی است که در دره قاسملو در نزدیکی جاده اصلی اشنویه به ارومیه در محل وردی دره خان دیده می‌شود. این دخمه در دل کوه کنده شده و رو به جنوب است. در ورودی به اتاقی منتهی می‌شود که ابعاد آن ۳×۳ متر است و در گوشه راست آن حوضچه‌ای قرار دارد. این اتاق خود به اتاق بزرگتری که ۳×۴ متر می‌باشد منتهی می‌گردد. بر روی دیوار انتهایی آن (شمالی) طاقچه‌ای کنده شده است، که مخصوص مجسمه میترا بوده و حوضچه موجود در آن حکایت از این دارد که این مکان هم همراه است. به فاصله چند متری دهانه این دخمه، حجاری ناتمام دیگری دیده می‌شود. مجموعه این آثار حکایت از نفوذ آئین میترا در غرب ایران به ویژه در آذربایجان غربی دارد. تحقیقات بیشتر امکان شناسایی مکتب‌های دیگر را فراهم کرده و به این ترتیب می‌توانیم گوشه‌های دیگری از فرهنگ و تمدن این مرز و بوم را معرفی کنیم.

ضمائم



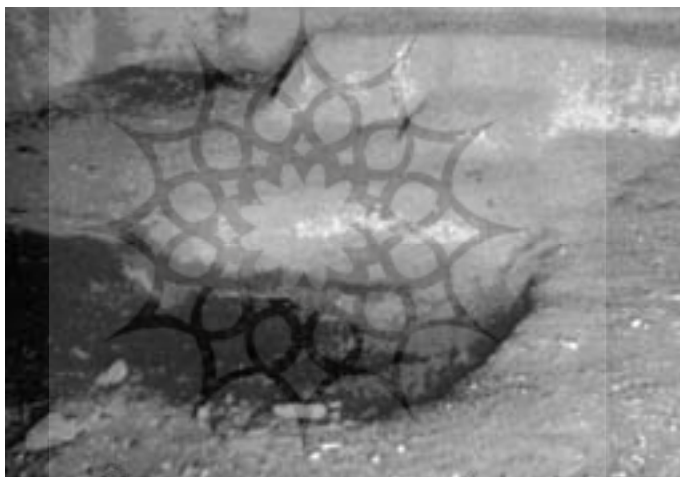
تصویر شماره ۱: دور نمای صخره‌ای که دخمه تناس در آن کنده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تصویر شماره ۲: ورودی دخمه
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۳: سکوی قربانی و جایگاه مخصوص مجسمه میترا - دخمه سنگی نناس

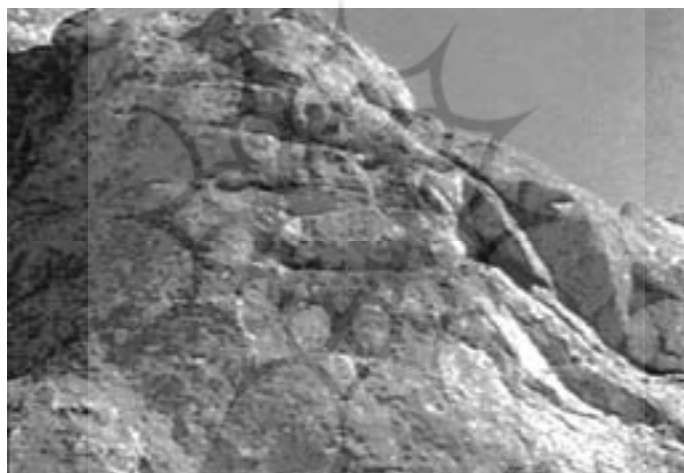


تصویر شماره ۴: حوضچه و سکوی مخصوص قربانی - دخمه سنگی نناس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر شماره ۵: آب انبار دخمه - جهت تطهیر و قربانی - دخمه نناس



تصویر شماره ۶: پله‌هایی که بر روی سنگ تعبیه شده‌اند - برای بالا رفتن به قلعه و عبادت مخصوص دخمه

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی
 نناس

منابع و مأخذ

- الهی، مستانه و مرجان، مجله فروهر، شماره ۳۷۵
- پور داوود، ابراهیم (۱۳۴۷) یشتها، تهران، انتشارات طهوری، چاپ دوم.
- پیرنیا، حسن (۱۳۶۲) ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، جلد سوم، چاپ دوم.
- توکلی، مرجان، اینترنت، مقاله.
- رضائی، عبدالعظیم (۱۳۷۲) اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان، تهران، نشر موج، چاپ دوم.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱) آیین میترائیسم، تهران، نشر بهجت.
- جنیدی، فریدون (۱۳۵۸) زروان، تهران، نقش جهان، چاپ اول.
- شارل پوش، هانری (۱۳۴۶) تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قدیانی، عباس (۱۳۷۴) تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران، اینیس، چاپ اول.
- گیرشمن (۱۳۴۴) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، جلد ۴
- ورمازن، مارتن (۱۳۴۵) آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، دهخدا، چاپ اول.
- هوار، کلمان (۱۳۶۳) ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیر کبیر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی